

## اگر تاریخ چشمی داشت...

تنوع مضمونی شعرهای خواننده‌شده در برنامه «در سرزمین شعر» جالب توجه بود. یکی از مهم‌ترین دلایل جذب گروه‌های گوناگون مخاطبان توسط این برنامه این بود که دست‌اندرکاران آن، شاعران را محدود به چند موضوع خاص نکرده بودند و شاعران آزادی عمل داشتند که در میان شعرهای خود، شعرهایی را انتخاب کنند که از نظر کیفیت ادبی از

آنها راضی‌ترند. همین مسأله باعث شد شعرهایی در برنامه مورد توجه قرار بگیرد که تا پیش از آن، کمتر مخاطبی آن شعرها را شنیده بود و مضمون این شعرها را در میان شعرهای رایج در ادبیات و شعر امروز دیده بود. یکی از این شعرها، غزلی بود با مطلع «اگر تاریخ چشمی داشت، خون و اشک کارش بود» که آرش شفاعی آن را به عنوان دومین شعر انتخابی

خود در این برنامه خواند و مورد توجه مخاطبان شعر قرار گرفت. در این شعر شاعر به جای مذمت ستمکاران و افرادی که در طول تاریخ بر مردم ظلم کرده‌اند، خود تاریخ را به خاطر میدان‌دادن به این افراد شمات می‌کرد. نکته جالب این بود که در همان برنامه و به صورت فی‌البداهه علیرضا افتخاری بیت‌هایی از این غزل را اجرا کرد.



برای مشاهده کلیپ  
سرزومانی این شعر  
کلیک کنید



در روز بزرگداشت سعدی، تأثیر حضور شعر در رسانه م

# جذب مخاطب میلیونی با اعت



امروز اول اردیبهشت‌ماه جالبی، روزی است که در

تقویم ملی ما به‌نام یکی از ستون‌های اصلی شعر و ادبیات فارسی نامگذاری شده است، به‌نام بلند شیخ مشرف‌الدین مصلح‌بن‌عبدال... سعدی شیرازی. سعدی بی‌شک در نظم و نثر یکی از بانمک‌ترین شاعران و نویسندگان دوران خود و همه دوران بعد از خود بوده و هست. او نمونه‌عالی شعر ساد و ممتنع است، فصاحت و روانی شعر و نثرش نمونه دل‌ و اگر نبود،

زبان فارسی به جایگاه امروزی خود نمی‌رسید. آنچه درباره سعدی قابل توجه است، این است که شعر او در دوران زندگی و اندکی بعد از مرگ او، در سراسر جهان منتشر شد، شعری که خود به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند در زمانه‌اش عمل می‌کرد و مخاطبان انبوهی را به سمت خود جلب و جذب نمود. این ویژگی در بسیاری از شاعران بزرگ کلاسیک فارسی وجود دارد اما در میان آنها، شهرت جهانگیر سعدی جنس و قوت بیشتری داشته است. شعر در آن دوران مهم‌ترین و قدرتمندترین رسانه رایج بوده است و با به‌میان‌آمدن رسانه‌های ارتباط جمعی، کم‌کم این ویژگی

رسانگی شعر کمتر شد و شعر برای رواج یافتن به دیگر رسانه‌های قدرتمند، نیازمند شد. هیچ رسانه‌ای مانند تلویزیون نمی‌تواند به رواج شعر در میان مردم کمک کند، نمونه‌های خوب و جذاب شعر را برای عموم مردم معرفی کند و شاعران خوب و ارجمند را به مخاطبان بشناساند. انتقادی که در طول دهه‌ها و سال‌های اخیر به تلویزیون وارد بوده است، بی‌توجهی به شعر به‌عنوان هنر ملی ایرانیان بوده؛ اتفاقی که در دوران جدید تحولی صدواوسیماد در حال رنگ‌باختن است و نمونه روشن آن برنامه‌هایی چون «چهارگاه» در سحرهای ماه رمضان و از آن مهم‌تر برنامه «سرزمین شعر» است. در این گزارش با برخی دست‌اندرکاران این برنامه درموضوعی‌چگونگی‌پسیدن‌به‌ایده‌اجایی‌این‌برنامه و تأثیر آن در حرکت کلی شعر معاصر صحبت کرده‌ایم.

### شعر از حاشیه به متن آمد

علیرضا قزوه، شاعر و مدیر مرکز شعر، موسیقی و سرود رسانه ملی که سال گذشته دبیر جشنواره شعر فجر بود، در همان زمان که مسئولیت دبیری جشنواره را به عهده گرفت، ایده داشتن پیوست انضمامی رسانه‌ای برای جشنواره شعر فجر را مطرح کرد. او که خود به‌عنوان یک شاعر و یکی از مدیران رسانه ملی، همزمان دغدغه شعر و رسانه را دارد، درباره چگونگی اجرایی‌شدن این ایده می‌گوید: رسانه ملی متولی شعر دارد اما قبلاً در هیچ دوره‌ای متولی شعر نداشت. در دفتر شعر، موسیقی و سرود صدواوسیماد سال گذشته جشنواره بین‌المللی شب شعر بزرگ غزه، جشنواره شعر انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و صلح جهانی با حضور شاعران ۲۰ کشور و نیز گردهمایی بزرگ شاعران را در زیباکنار با حضور ۵۰۰ شاعر و اهالی موسیقی برگزار کردیم. ضرورت برگزاری برنامه‌های بزرگ در زمینه شعر در رسانه ملی احساس می‌شد چرا که شعر نتوانسته است با مردم آشتی کند و به خانه‌های‌شان راه یابد و سر سفره‌شان بنشیند. شعر همیشه در حاشیه جامعه و رسانه‌ها بوده است. برخلاف سینما، موسیقی و هنرهای دیگر که مورد توجه جدی بوده‌اند و برای‌شان برنامه ساخته شده است، در مورد شعر چنین نبوده است. امسال در جشنواره شعر فجر دیدم که ۱۸ دوره جشنواره به صورت تکراری برگزار می‌شده است و تنها در چند استان برنامه شعرخوانی نهایتاً در یک‌گستره چند هزار نفری مخاطب برگزار می‌شد ولی ایده ما این بود که باید این مخاطب میلیونی شود.

قزوه با بیان این‌که درست است ایده اصلی برنامه از بنده بوده ولی خیلی‌ها کمک کردند تا این ایده پخته شد و به سرزمین شعر رسیدیم، می‌گوید: حتی برای این برنامه هم ساعت‌ها وقت گذاشتیم و پیشنهادهای مختلف گرفتیم تا به این اسم که پیشنهاد آقای سیار بود، رسیدیم. آقای زارعان که سابقه خوبی در ساخت برنامه‌های ادبی در سینما داشت، به جمع اضافه شد و مدیر شبکه چهار هم خیلی جدی در این عرصه ورود پیدا کرد، ما ابتدا انتظار داشتیم یک برنامه ۱۰-۱۵ شبه باشد اما مدیر شبکه گفت من تا یک ماه هم حاضرم وقت به این برنامه بدهم. بودجه

محمد مهدی سیار، شاعر و ترانه‌سرا که در برنامه «سرزمین شعر» و طیفه اجرا رانیز به عهده داشت، درباره چگونگی انتخاب خود به عنوان مجری برنامه می‌گوید: قرار بود به عنوان یکی از داوران حضور داشته باشم و یک مجری رسانه‌ای در آن جایگاه قرار بگیرد. البته از ابتدا دوستان لطف داشتند و می‌گفتند که من مجری برنامه باشم اما می‌دانستم کار سختی است و من هم تجربه آنچنانی هم در این حوزه نداشت‌م ضمن این‌که فکر می‌کردم یک چهره رسانه‌ای هم باید باشد تا این تصور به وجود نیاید که صرفاً یک دوره‌می شاعرانه است، بنابراین خیلی تلاش کردم خودم در جایگاه مجری قرار بگیرم اما به هرکدام از دوستان مجری حرفه‌ای که فکر می‌کردیم، این بیم می‌رفت که ارتباط تنگاتنگ با شعر معاصر و نقد نداشته باشد، ضمن این‌که زمان زیادی هم نداشتیم و در نهایت من گفتم برای کامل شدن این قاب، یک خواننده در آن قرار بگیرد تا ارتباط مخاطب با برنامه از آن طریق هم برقرار شود و در نهایت به آقای افتخاری رسیدیم و ایشان خیلی به ما کمک کرد. یک مخاطب عادی که کانال‌ها را بالا پایین می‌کرد همین که می‌دید آقای افتخاری به یک برنامه آمده، تأمل می‌کرد برای همین برای جذب مخاطب، حضور آقای افتخاری خیلی مهم بود ضمن این‌که ایشان اجراهای خیلی خوبی هم داشت و اگر می‌خواستیم از عطار حرف بزنیم، ایشان «ای دل اگر عاشقی» را داشت، اگر می‌خواستیم از سعدی حرف بزنیم، یکی از کارهای مهمش «بوی گل و ریحان‌ها» بود و اگر می‌خواستیم از مولوی بگوییم، قطعه معروف «مرده بدم زنده شدم» یا ذوالفقون را داشت و از ریدل کلی خوانده است. از نظر اتصال و ارتباط با شعر کهن، علیرضا افتخاری کم نظیر است و از نظر اتصال و ارتباط با شعر معاصر هم بی نظیر است، چرا که «نیلوفرانه» قیصر امین پور را خوانده است، از حسین منزوی و حتی از شاعران جوان‌تر از جمله خود من. آثار زیادی خوانده و حضور ایشان در برنامه، اتفاقی بود که بعد‌ها از آن خواهند گفت. لذا من به عنوان سخنگو و دبیر هیأت داوران در جایگاه اجرا قرار گرفتم.

سیار با اشاره به شیوه مرسوم دعوت از شاعران در برخی برنامه‌های صدواوسیماد در گذشته می‌گوید: بیشتر وقتی شاعران به برنامه‌های تلویزیونی دعوت می‌شدند از آنها سؤال‌هایی از این دست می‌شد که چه شد به شعر گفتن پرداختی یا درباره چه چیزی شعر می‌گویی، سوالاتی که مانند آب‌سرد روی سر شاعر ریخته می‌شد. رسانه نمی‌توانست قابی در اختیار شاعر قرار دهد و در بازی شعر شرکت نمی‌کرد و وارد سرزمین شعر نمی‌شد بلکه معمولاً شعر را وارد سرزمین رسانه می‌کردند که در این صورت شعر باید به ترانه و تصنیف تبدیل و از زبان خواننده شنیده می‌شد یا به یک بازی رسانه‌ای مانند مشاعره یا بداهه‌سرایی تبدیل می‌گشت که شاعران جدی وارد چنین فضاهایی نمی‌شوند. تلاش برای این‌که شعر وارد بازی جای رسانه‌ای شود، از پیش شکست خورده

است و سرزمین شعر تلاشی برای این بود که به جای این‌که شعر را وارد رسانه کنیم، رسانه را شاعرانه کنیم. در طول تاریخ ما شعر خود یک رسانه بوده است که تاریخ، شناسنامه و قواعدی دارد و نمی‌توانیم آن را به عنوان بخشی از یک برنامه ببینیم و در تلفیق با هنرهای مجالس یا به شکل زینت‌المجالس به آن نگاه کنیم. خود همین که شاعر بایستد و شعر بخواند و حرمت ببیند و داوری بشود. این‌که شعر داوری بشود اگرچه برای رسانه‌ای‌تر شدن کار است اما از قدیم الایام در سنت ما داوری درباره شعر وجود داشته است. هم فضای انجمن داری را در این برنامه می‌بینیم که شعر خوانده شود و درباره شعر حرف زده شود و به شاعر پیشنهاد دهند همان سنت نقد ادبی و انجمن ادبی است که آن را وارد رسانه کرده‌ایم و هم سنت داوری و تشخیص برتر بودن شعرها سنت به هم در سنت ادبی ما وجود داشته است چنان‌که ادبا و شعراموهار بحث می‌کرده‌اند که مثلاً حافظ برتر است یا سعدی یا شاعران برتر شعر فارسی چه کسانی بوده‌اند و به همین دلیل چیزی تمحیلی به شعر نبوده است و از سویی همچنانی که مخاطب نیاز دارد به او بدد و وساختن هم به شعرخوانی‌های می‌دهد؛ یعنی شاعران شعری خوانند و گروهی از آنان حذف می‌شوند و گروهی به مرحله بعدی می‌روند و شاعرانی که در مرحله نهایی حضور داشتند، هفت شعر خوانده بودند تا به این مرحله برسند و فرصت داشته‌اند قالب‌های مختلف، موضوعات و لحن‌های شعری خود را به داوران نشان دهند.

### کاربرای دوره‌های بعد سخت شده است

سیار با اشاره به کیفیت بالای شعرهایی که شرکت‌کنندگان در این مسابقه خواندند، می‌گوید: من فکر می‌کنم این برنامه به مخاطب حرفه‌ای یا نیمه حرفه‌ای یک شوک وارد کرد زیرا شاعرانی که نتوانسته بودند در فضای رسانه‌ای خود را به مخاطب بشناسند، انگشت‌شمارند ولی شاعران حرفه‌ای زیادی هستند که خیلی بهتر از این شاعران مطرح‌شده شعر می‌گویند. منتها قصاب رسانه‌ای درستی برای‌شان

مهیا نشده بود. مخاطبی که شعر امروز و شعر جوان را با اسم‌هایی محترم و محدود می‌شناخت ناگهان دید چقدر شاعران خوب از سراسر کشور و سرزمین‌های فارسی‌زبان با موضوعات متنوع و جذاب وجود دارند که آثارشان به این راحتی به دست و گوش مخاطب نمی‌رسد. خیلی‌ها را من می‌بینم که می‌گویند ما طرفدار آن شاعر شدیم که تابه‌حال اسمش را هم شنیده بودیم و سلیقه‌های مختلف گمشده خود را پیدا کردند. وی عمومیت برنامه را نقطه قوت آن می‌داند و می‌افزاید: ما هیچ محدودیت، موضوعی، قالبی، جنسیتی و سنی قرار ندادیم و این عمومیت، مرکزیت به این برنامه می‌دهد که ویرترین و نمایشگاهی از دستاوردهای طبع شاعران در یک سال عرضه شود و مانند جشنواره فیلم فجر که یک فیلم‌ساز نامدار به‌این دلیل که نامدار و بیشکوست است، ابایی ندارد که خود را در معرض داوری قرار دهد؛ کسی که یک دوره داور سرزمین شعر بوده است، خود با افتخار یک دوره بعد به عنوان شرکت‌کننده در برنامه حضور پیدا کند یا شاعری که در این دوره، در جایگاه بالایی ایستاده، دوباره شرکت کند و بگوید من آن شاعر قبلی نیستم و این تجربه‌های ادبی خودم را در معرض قضاوت قرار دهم، چرا که شعر همیشه نو و تازه است.

به نظر من این برنامه بزرگ منشی جامعه شعری و ادبی ما را هم نشان داد؛ این که شاعران صاحب عنوان ترسیدند و آمدند و کمک کردند چون حس کردند قدمی برای شعر برداشته می‌شود و هرچه در گام نخست این قدم محکم‌تر باشد، بهتر خواهد بود. این ریسک کردن نشان از روح بلند و مناعت طبع دوستانی دارد که آمدند و شرکت کردند. این‌که پای کار این برنامه ایستادند، کار این برنامه را آسان کرد چرا که شعرهایی که مردم شنیدند، شعرهای ضعیف و میمندنیانه نبود و این توقع را بالا برد. البته گام‌های بعدی را هم سخت کرد چرا که نباید از این تراز کوتاه بایبیم و سعی کنیم این برنامه آن جذابیت را به قدری داشته باشد که حتی آن افراد شاخص‌تری که به هر دلیل در این برنامه شرکت نکردند، مایل شوند در این برنامه شرکت کنند و یک دوره‌می شاعرانه شکل بگیرد.

شعر بالاخره در رسانه ملی جایی پیدا کرد یکی از سرگروه‌های برنامه، مصطفی مدنی



### غزل امروز

## یک اتوبوس شاعرانه



محمدسعید میرزایی، از شاعران شناخته‌شده روزگار ماست که تأثیر مهمی بر جریان غزل معاصر داشته است، هرکس جریان‌های مؤثر بر غزل دهه‌های ۷۰ و ۸۰ را دنبال کند، نقش او در غزل امروز

را به خوبی می‌داند. او از شاعران کرمانشاه است و در رشته زبان و ادبیات فارسی تا اخذ مدرک دکترا پیش رفته. میرزایی که در دور نهایی مسابقه سرزمین شعر به عنوان برگزیده انتخاب شد، در یکی از بخش‌های این برنامه، شعری به نام «اتوبوس» خواند. این شعر در حقیقت جاندارنداری یک موجود بی‌جان، یک اتوبوس قدیمی و کارکرده بود و شاعر با استفاده از تخیل خود، به این وسیله نقلیه، شخصیت انسانی داده است. توصیف این شخصیت خیالی و سرانجام این اتوبوس، غزل اتوبوس را به یک شعر خواندنی تبدیل کرده است.



برای دیدن سرزومانی  
این شعر، کلیک کنید

### خبر

## فصل دوم «سرزمین شعر» در حال ساخت است



علیرضا قزوه، شاعر و داور مسابقه «سرزمین شعر» که از شبکه چهار سیما پخش شد، گفت: سرزمین شعر برنامه‌ای است که در ادامه جشنواره بین‌المللی شعر فجر تعریف شده است. قزوه تصریح کرد: هدف از این برنامه بیشتر علاقه‌مند کردن مردم با ادبیات و شعر بود

که بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت و دوستان از روند آن راضی هستند. همچنین شعرهایی که در این برنامه خوانده شد در فضای نوروز و ماه رمضان بود و تعطیلات نوروز کمک کرد که این برنامه بهتر دیده شود. وی ادامه داد: برنامه سرزمین شعر با ۶۴ شاعر و حضور حدود ۳۰ نفر عوامل از مدیران و سرگروه‌ها و داوران و تهیه‌کننده که همگی شاعر هستند، اجرا شد. این اولین باری است که متولیان برنامه‌ای همگی شاعر هستند و یک کار ادبی فاخر انجام شد. قزوه افزود: این برنامه در آینده استمرار خواهد داشت و در حال حاضر در حال ساخت فصل دوم هستیم که به امید خدا در یکی دو ماه آینده پخش می‌شود. وی ادامه داد: ممکن است با شاعران فارسی‌زبان برنامه را شروع کنیم یا با زبان‌ها و قومیت‌های مختلف، اینها موضوعاتی است که در آینده مشخص خواهد شد. احتمال دارد باتوجه به موضوعات جدید، تغییراتی در داوران نیز انجام شود اما قطعاً داوران خبره‌ای در این راستا انتخاب خواهند شد.

### قاب

## آرامگاه استاد سخن

عکسی که می‌بینید، قدیمی‌ترین عکسی است که از آرامگاه سعدی در دست بوده و متعلق به دوران قاجار. بنای فعلی این آرامگاه، از کاخ چهل ستون الهام گرفته شده و تلفیقی از معماری قدیمی و مدرن ایرانی است. معمار آن محسن فروغی است که طرح بنا را با همکاری علی‌اکبر صادق اجرا کرده است. این بنا در اردیبهشت ۱۳۳۱ افتتاح شد. ساختمان آرامگاه با ۲۵۷ مترمربع زیربنا، از یک ایوان با هشت ستون و یک تالار بلند تشکیل شده که منار سعدی نقطه تقاطع آنها قرار دارد. سنگ قبر سعدی در وسط این عمارت قرار دارد و در چهار ضلع آن کتیبه‌هایی کاشی‌کاری‌شده مزین به اشعار سعدی دیده می‌شود. متن کتیبه‌ها از گلستان، بوستان، بدایع و طبیات سعدی انتخاب و به خط «ابراهیم ابوزری» نوشته شده است.

